



Identifying the Requirements of the Strategic Wargame between the Islamic Republic of Iran and the Zionist Regime in the Context of the Republic of Azerbaijan with a Defense Supply Chain Resilience Approach

Morteza Porjafari¹ | Hamidreza Rezaee² | Mohammadreza Zolghadr^{3*}

1. Professor of Strategic Defense Sciences (National Defense), Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

2. Professor of Strategic Defense Sciences (Defense Policy), National Defense University, Tehran, Iran.

3. Corresponding Author: M.A. in Business Administration, Faculty of Management and Industrial Engineering, Malek Ashtar University of Technology, Tehran, Iran.
Email: reza76zolghadr76@gmail.com

Abstract

The geopolitical developments in the South Caucasus following the Second Nagorno-Karabakh War, along with the expansion of the intelligence and military presence of the Zionist regime in the Republic of Azerbaijan, have exposed the northwestern security environment of the Islamic Republic of Iran to complex hybrid threats. Under such conditions, reliance solely on traditional analytical approaches and field exercises is insufficient to address the evolving complexity of defense decision-making. The purpose of this study is to identify and elaborate the requirements for designing and implementing a strategic wargame between the Islamic Republic of Iran and the Zionist regime within the context of the Republic of Azerbaijan, with an emphasis on defense supply chain resilience. This research adopts a qualitative-exploratory approach. Data were collected through semi-structured interviews with fifteen experts from the fields of defense, intelligence, diplomacy, and logistics and analyzed using thematic analysis. The findings indicate that the requirements of a strategic wargame can be conceptualized across three interconnected stages. The pre-game stage involves strategic goal-setting, geopolitical environment analysis, inter-organizational coordination, and training. The in-game stage focuses on strategic decision-making under uncertainty, assessment of defense supply chain resilience, information security, and multi-level command and control. The post-game stage emphasizes performance evaluation, extraction of lessons learned, and documentation of defense knowledge. The results demonstrate that a strategic wargame centered on defense supply chain resilience can serve as an effective tool for enhancing intelligent deterrence and strengthening institutional coordination along Iran's northwestern frontier.

Keywords: Strategic war game, defense resilience, Zionist regime, Republic of Azerbaijan.

Volume info

Vol. 25
Series: 111
Spring 2026
P.P: 37-62

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
2025-10-26
Revised:
2025-12-25
Accepted:
2025-06-01
Published:
2026-06-01

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2008-6121
E-ISSN: 2645-5218



Cite this Article: Porjafari, M., Rezaee, H., Zolghadr, M.R. (2026). Identifying the Requirements of the Strategic Wargame between the Islamic Republic of Iran and the Zionist Regime in the Context of the Republic of Azerbaijan with a Defense Supply Chain Resilience Approach. Scientific Journal of Defensive Researches and Management, 25(111), 37-62.

doi : 10.47176/mdr.2025.1429



© Author(s) retain the copyright and full publishing rights

OPEN ACCESS

Publisher: Imam Hossein University.

شناسایی الزامات بازی جنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در بستر جمهوری آذربایجان با رویکرد تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی

مرتضی پورجعفری^۱ | حمیدرضا رضایی^۲ | محمد رضا ذوالقدر^{۳*}

۱. استاد علوم دفاعی راهبردی (دفاع ملی)، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

۲. استاد علوم دفاعی راهبردی (سیاست دفاعی)، دانشگاه دفاع ملی، تهران، ایران.

۳. نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد رشته مدیریت کسب و کار، مجتمع مدیریت و مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی مالک

Email: reza76zolghadr76@gmail.com

اشتر، تهران، ایران.

چکیده

تحولات ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی پس از جنگ دوم قره‌باغ، همراه با گسترش حضور اطلاعاتی و تسلیحاتی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان، محیط امنیتی شمال غرب جمهوری اسلامی ایران را با تهدیدات ترکیبی و چندلایه مواجه ساخته است. در چنین شرایطی، اتکای صرف بر تحلیل‌های سنتی و رزمایش‌های میدانی، پاسخگوی پیچیدگی‌های نوین تصمیم‌سازی دفاعی نیست. هدف این پژوهش، شناسایی و تبیین الزامات طراحی و اجرای بازی جنگ راهبردی میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در بستر جمهوری آذربایجان، با تأکید بر تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی است. پژوهش حاضر از نظر رویکرد، کیفی-اکتشافی بوده و داده‌های آن از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر از خبرگان حوزه‌های دفاعی، اطلاعاتی، دیپلماتیک و لجستیکی گردآوری و با استفاده از روش تحلیل مضمون تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد الزامات بازی جنگ راهبردی را می‌توان در قالب سه مرحله پیوسته تبیین کرد: الزامات پیش از بازی (شامل هدف‌گذاری راهبردی، تحلیل محیط ژئوپلیتیکی، هماهنگی بین‌نهادی و آموزش نیروی انسانی)، الزامات حین بازی (شامل تصمیم‌سازی راهبردی در شرایط عدم قطعیت، سنجش تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی، امنیت اطلاعات و فرماندهی چندسطحی) و الزامات پس از بازی (شامل ارزیابی عملکرد، استخراج درس‌آموخته‌ها و مستندسازی دانش دفاعی). نتیجه پژوهش نشان می‌دهد طراحی و اجرای بازی جنگ راهبردی با محوریت تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی، می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر برای ارتقای بازدارندگی هوشمند و تقویت هماهنگی نهادی جمهوری اسلامی ایران در جبهه شمال غرب کشور به‌کار گرفته شود.

کلیدواژه‌ها: بازی جنگ، تاب‌آوری دفاعی، رژیم صهیونیستی، جمهوری آذربایجان.

استناد: پورجعفری، مرتضی، رضایی، حمیدرضا، و ذوالقدر، محمد رضا. (۱۴۰۵). شناسایی الزامات بازی جنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در بستر جمهوری آذربایجان با رویکرد تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی. فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، ۲۵(۱۱۱)، ۳۷-۶۲. doi: 10.47176/mdr.2025.1429

© نویسنده(گان) حق نشر و حقوق کامل انتشار را برای خود محفوظ می‌دارند.

ناشر: دانشگاه جام امام حسین(ع).



OPEN ACCESS

مقدمه

تحولات سریع و چندلایه در محیط ژئوپلیتیکی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، سیمای امنیت منطقه‌ای را به عرصه‌ای از تهدیدات ترکیبی، رقابت‌های نیابتی و جنگ‌های شناختی تبدیل کرده است. در این میان، موقعیت ممتاز جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ایران در تقاطع سه حوزه حیاتی خلیج فارس، قفقاز و آسیای مرکزی، همراه با ماهیت ضداستکباری نظام و نقش آن در محور مقاومت، کشور را به یکی از اهداف اصلی راهبردهای بازدارندگی و مهار قدرت‌های فرامنطقه‌ای، به‌ویژه رژیم صهیونیستی، بدل ساخته است. از این‌رو، طراحی سازوکارهای دفاعی نوین برای صیانت از تمامیت ارضی، انسجام ملی و حفظ بازدارندگی فعال، ضرورتی حیاتی در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود.

در سال‌های اخیر، منطقه قفقاز جنوبی و به‌ویژه جمهوری آذربایجان به یکی از حساس‌ترین کانون‌های امنیت ملی ایران تبدیل شده است. مجاورت جغرافیایی، پیوندهای فرهنگی و مسیرهای ترانزیتی این منطقه، همواره آن را بخشی از فضای امنیتی ایران ساخته است؛ اما حضور خزنه و سازمان‌یافته رژیم صهیونیستی در آذربایجان - از استقرار پایگاه‌های شنود و جمع‌آوری اطلاعات تا ارسال تجهیزات نظامی، برگزاری رزمایش‌های مشترک و عملیات رسانه‌ای هدفمند - این فضا را به بستری از تهدیدات ترکیبی علیه ایران تبدیل کرده است. هم‌زمان، شکل‌گیری نوعی ائتلاف امنیتی نانوشته میان تل‌آویو، باکو و آنکارا تلاش دارد با بهره‌گیری از مؤلفه‌های قومی، مذهبی و فناورانه، توازن قدرت منطقه‌ای را به زیان تهران تغییر دهد.

در چنین محیطی، صرف اتکا بر تحلیل‌های سنتی و رزمایش‌های میدانی نمی‌تواند پاسخگوی پیچیدگی‌های تهدیدات نوین باشد. یکی از کارآمدترین ابزارهای تحلیل راهبردی در این زمینه، بازی جنگ راهبردی^۱ است که با بهره‌گیری از شبیه‌سازی سناریوهای واقعی، امکان ارزیابی تصمیمات، سنجش تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی و تحلیل تعاملات چندسطحی سیاسی-نظامی را فراهم می‌کند. بازی جنگ، علاوه بر فراهم‌سازی درک عمیق از نحوه مواجهه با بحران‌های محتمل، بستر هماهنگی نهادی، بازآزمایی دکترین بازدارندگی و تقویت پدافند ترکیبی را مهیا می‌سازد؛

به‌ویژه زمانی که در سه فاز کلیدی «قبل از بازی» (آماده‌سازی و هدف‌گذاری)، «حین بازی» (اجرای سناریو و کنترل تشدید) و «بعد از بازی» (ارزیابی و یادگیری نهادی) طراحی و اجرا گردد. با وجود اهمیت فزاینده تهدیدات ترکیبی در جبهه شمال‌غرب جمهوری اسلامی ایران، فقدان چارچوبی نظام‌مند برای شبیه‌سازی و آزمون تصمیم‌سازی راهبردی، می‌تواند پیامدهای قابل توجهی برای امنیت ملی کشور به‌همراه داشته باشد. عدم بهره‌گیری از بازی جنگ راهبردی با محوریت تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی، خطر اتکای بیش از حد به تصمیم‌سازی‌های واکنشی، ناهماهنگی بین‌نهادی و آسیب‌پذیری شبکه‌های پشتیبانی دفاعی را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، تهدیدات مستقر در بستر ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی می‌توانند از سطح نظامی فراتر رفته و به تضعیف امنیت مرزی، انسجام فرهنگی و ثبات شناختی در مناطق شمال‌غرب کشور منجر شوند. از این‌رو، پرداختن به الزامات طراحی و اجرای بازی جنگ راهبردی نه تنها یک ضرورت تحلیلی، بلکه پیش‌نیازی برای تقویت بازدارندگی هوشمند و مدیریت پیش‌دستانه بحران‌های آینده محسوب می‌شود.

هدف پژوهش: شناسایی و تبیین الزامات بازی جنگ راهبردی میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در بستر جمهوری آذربایجان، با تأکید بر تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی است. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش چنین مطرح می‌شود:

الزامات بازی جنگ جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در بستر جمهوری آذربایجان با تأکید بر تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی کدام‌اند؟

ادبیات و مبانی نظری پژوهش

بازی جنگ راهبردی

بازی جنگ راهبردی به‌عنوان ابزاری تحلیلی در سطوح عالی تصمیم‌گیری، امکان شبیه‌سازی سناریوهای پیچیده امنیتی را فراهم می‌سازد تا کنش‌ها و واکنش‌های بازیگران راهبردی در موقعیت‌های بحرانی مورد ارزیابی قرار گیرند. در این چارچوب، هدف از بازی جنگ پیش‌بینی دقیق نتایج نیست، بلکه ارتقای ظرفیت شناختی و تصمیم‌سازی نظام دفاعی از طریق بازآفرینی محیط‌های واقعی در قالب شبیه‌سازی است (پرلا، ۱۹۹۰: ۲۲).

1 Perla

بازی جنگ با تأکید بر منطق سناریو و تحلیل پیامدهای چندبعدی، به مدیران و طراحان دفاعی کمک می‌کند تا در محیطی کنترل‌شده، الگوهای تصمیم‌گیری، میزان هماهنگی نهادی و تاب‌آوری سامانه‌های فرماندهی را بیازمایند. این رویکرد در عصر تهدیدات ترکیبی، به‌ویژه در جغرافیای قفقاز جنوبی، به ابزاری برای بازدارندگی هوشمند و تصمیم‌سازی تطبیقی بدل شده است (روبل^۱، ۲۰۰۶: ۱۱۰-۱۱۲).

بازی جنگ از منظر معرفت‌شناسی، فرآیندی پویا و یادگیرنده است که در آن بازیگران از طریق تعامل متقابل، راهبردهای نوین را کشف می‌کنند و بدین ترتیب ظرفیت بازخورد و اصلاح راهبردی نظام افزایش می‌یابد. چنین نقشی موجب می‌شود بازی جنگ نه صرفاً تمرینی نظامی، بلکه یکی از مؤلفه‌های تفکر راهبردی و یادگیری سازمانی در نهادهای دفاعی تلقی شود (سابین^۲، ۲۰۱۲: ۴۸).

تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی

تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی بیانگر توانایی نظام‌های پشتیبانی برای تداوم عملکرد حیاتی، بازسازی سریع و سازگاری با شرایط بحرانی است. برخلاف زنجیره‌های تجاری که به‌دنبال بهینه‌سازی هزینه و کارایی‌اند، زنجیره‌های دفاعی باید برای مواجهه با اختلال‌های چندوجهی نظیر حملات سایبری، تهدیدات لجستیکی و محدودیت‌های اقلیمی آماده باشند (کریستوفر و پک^۳، ۲۰۰۴: ۵). در این حوزه، مدل‌های مفهومی جدید سه محور اصلی را برای تاب‌آوری معرفی می‌کنند: «پیش‌بینی و مشاهده‌پذیری اختلال»، «توان سازگاری سریع با بحران» و «بازیابی و بازتوزیع مؤثر منابع حیاتی» (پتیت و همکاران^۴، ۲۰۱۰: ۱۵). در محیط‌های نظامی، این مفاهیم با ضرورت هماهنگی میان فرماندهی، پشتیبانی و زیرساخت‌های اطلاعاتی پیوند می‌خورند؛ چنان‌که پژوهش‌های جدید نشان داده‌اند زنجیره تأمین دفاعی تنها زمانی تاب‌آور است که از یک نظام کنترل فرماندهی منسجم و یادگیری میان‌سازمانی پشتیبانی شود (اکستروم^۵، ۲۰۲۵: ۱۲۱-۱۲۵؛ الوامو^۶، ۲۰۲۵: ۱۸۲).

در سطح ملی، تاب‌آوری دفاعی ایران نیازمند طراحی لایه‌ای از سازوکارهای پشتیبانی است که شامل تنوع مسیرهای تدارکاتی، سرعت در بازسازی منابع، و مقاومت فنی و سایبری در برابر

1 Rubel

2 Sabin

3 Christopher & Peck

4 Pettit et al.

5 Ekström

6 Elvemo

تهدیدات ترکیبی می‌شود (کریمی‌زارچی، مبودی و فتحی، ۱۳۹۹: ۷۱). این الگو نه تنها شرط بقا در بحران، بلکه پیش‌نیاز اجرای مؤثر بازی‌های جنگ راهبردی است، زیرا بدون پایداری شبکه‌های پشتیبانی، شییه‌سازی‌های دفاعی فاقد کارایی واقعی خواهند بود.

ژئوپلیتیک قفقاز و تهدید ترکیبی رژیم صهیونیستی

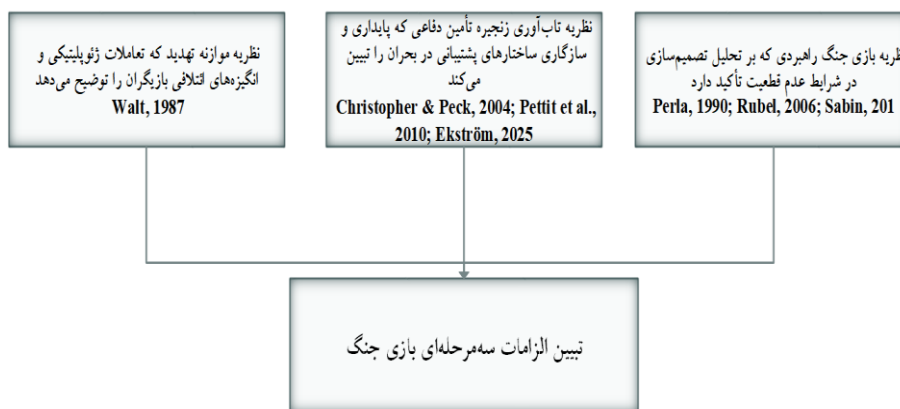
منطقه قفقاز جنوبی، به‌ویژه جمهوری آذربایجان، در دهه‌های اخیر به یکی از کانون‌های راهبردی رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده است. موقعیت ژئوپلیتیکی این منطقه، هم‌جواری با مرزهای شمال‌غربی ایران و پیوندهای قومی و فرهنگی آن، موجب شده است که امنیت ایران مستقیماً از تحولات این فضا تأثیر پذیرد. حضور و نفوذ رژیم صهیونیستی در قالب همکاری‌های اطلاعاتی، تسلیحاتی و رسانه‌ای با دولت باکو، نمونه‌ای از شکل‌گیری تهدیدات ترکیبی علیه ایران است (الهامی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۸).

نظریه موازنه تهدید، چارچوب تحلیلی مناسبی برای فهم این پدیده فراهم می‌کند. بر اساس دیدگاه والت، دولت‌ها در واکنش به تهدید ادراک‌شده، ائتلاف‌هایی را تشکیل می‌دهند که نه تنها بر اساس قدرت، بلکه بر مبنای نیت و نزدیکی ژئوپلیتیکی تعریف می‌شود (والت^۱، ۱۹۸۷: ۲۵). از این منظر، ائتلاف غیررسمی تل‌آویو-باکو-آنکارا تلاشی برای محدودسازی عمق راهبردی ایران است. در چنین شرایطی، طراحی بازی جنگ راهبردی می‌تواند ابزار شناختی کارآمدی برای سنجش ظرفیت‌های واکنشی و میزان تاب‌آوری زنجیره دفاعی ایران در برابر این الگوی تهدید محسوب شود.

چارچوب نظری پژوهش

ترکیب این سه بنیان نظری، مبنای تبیین الزامات سه‌مرحله‌ای بازی جنگ—شامل طراحی و هماهنگی پیش از بازی، مدیریت و تصمیم‌گیری در حین بازی، و ارزیابی و بازخورد پس از بازی—در بستر رقابت راهبردی ایران و رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان را فراهم می‌سازد. چنین چارچوبی ضمن اتکاء بر تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی، می‌تواند مبنای توسعه مدل بومی بازدارندگی ترکیبی جمهوری اسلامی ایران در جبهه شمال‌غرب باشد.

1 Walt



شکل ۱. چارچوب نظری پژوهش (نویسندگان)

پیشینه پژوهش

برخی پژوهش‌ها در سال‌های اخیر به بررسی ابعاد مختلف بازی جنگ، تاب‌آوری راهبردی و تهدیدات نوظهور پرداخته‌اند.

کازرونی، طباطبایی، رضایی و یمنی (۱۴۰۳) در فصلنامه آماد و فناوری دفاعی با طراحی مدل کمی، تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی را از طریق سنجش شاخص‌هایی نظیر مدت بازیابی، تنوع تأمین‌کنندگان و افزایش ظرفیت ذخیره‌سازی بررسی کردند که برای توسعه الگوی تاب‌آوری کاربردی در بازی جنگ در شمال غرب ایران حیاتی است (کازرونی و همکاران، ۱۴۰۳: ۸۸).

رحیمی، عالم‌تبریزی، راد و موتمنی (۱۳۹۷) با ارائه مدل ساختاری-تفسیری تأکید کردند که تاب‌آوری باید در سطوح نرم‌افزاری (مانند یادگیری سازمانی و تعامل با تأمین‌کننده) و فنی (افزودگی منابع، چابکی تصمیم‌گیری و امنیت سایبری) تقویت شود (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۲).

افشردی و بابایی (۱۳۸۴) در فصلنامه مطالعات راهبردی دفاعی نشان دادند که در مواجهه با تهدیدات ژئوپلیتیکی در قفقاز جنوبی، ساختار دفاعی ایران باید بیش از پیش انعطاف‌پذیر و واکنشی باشد، زمینه‌ای مهم برای استفاده از بازی جنگ به منظور سناریوپردازی بلادرننگ فراهم می‌آورد (افشردی و بابایی، ۱۳۸۴: ۲۱).

روبانیس^۱ (۲۰۲۴) در گزارش خود درباره «بازتعریف مشی امنیتی ایران در قفقاز جنوبی پس از جنگ اوکراین» تصریح کرد: تاب‌آوری لجستیکی و سایبری باید در ساختار دفاعی ناحیه شمال غرب تعبیه شود، چرا که تهدید ناگهانی و ترکیبی مقاومت حمله از خاک قفقاز را چالش برانگیز می‌کند (روبانیس، ۲۰۲۴: ۱۶).

نظری‌زاده، متولی و میرشاه‌ولایتی (۱۴۰۲) در کنفرانس فناوری‌های نوین با محوریت شبیه‌سازی سناریو محور و بازی جنگ، نشان دادند این ابزارها می‌توانند ظرفیت تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی را در محیط‌های پرتنش به‌ویژه قفقاز افزایش دهند (نظری‌زاده و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۴).

آرم استون و همکاران^۲ (۲۰۲۴) مطالعه‌ای در لجستیک^۳ منتشر کردند که به‌طور خاص، مدل‌های ارزیابی ریسک و تاب‌آوری تأمین‌کنندگان در زنجیره‌های صنعتی-نظامی در مقابل اختلالات نادر را بررسی کرده است و نشان می‌دهد ساختارهای کمی و تحلیل شبیه‌سازی شده بسیار مناسب برای کاربرد در طراحی بازی جنگ لجستیکی هستند (آرم استون و همکاران، ۲۰۲۴: ۱۰).

الومو^۴ (۲۰۲۴) در نشریه مطالعات نظامی اسکندیناوی^۵ مدلی تحقیقاتی برای بررسی تاب‌آوری زنجیره لجستیک نظامی ارائه داد که نقش قابلیت‌های فرماندهی و کنترل، پاسخ‌گویی و بازیابی سریع را برجسته کرده و چارچوبی عملیاتی برای تحلیل تاب‌آوری نظامی در شرایط مانند قفقاز فراهم کرده است (الومو، ۲۰۲۴: ۲۰). والت (۱۹۸۷) در کتاب منشأ ائتلاف‌ها، با تبیین نظریه «موازنه تهدید»، استدلال می‌کند که دولت‌ها نه بر اساس صرف قدرت نظامی، بلکه در واکنش به تهدید ادراک شده و نیت‌های سایر بازیگران، ائتلاف‌های امنیتی تشکیل می‌دهند. یافته‌های او نشان می‌دهد که عوامل ژئوپلیتیکی و ادراکی در شکل‌دهی به اتحادها، نقش تعیین‌کننده‌تری از موازنه قدرت صرف دارند (والت، ۱۹۸۷: ۲۵). این چارچوب تحلیلی می‌تواند به درک بهتر ائتلاف‌های تل‌آویو-باکو-آنکارا و طراحی بازی جنگ راهبردی ایران در جبهه شمال غرب کمک کند.

الهامی، افصلی، عبدلی، مقدسی و قاسمی (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان راهبرد ارتقای جایگاه ژئوکالچر جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی،

1 Roubanis

2 Urmston et al

3 Logistics

4 Elvemo

5 Scandinavian Journal of Military Studies

ابعاد نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای در قفقاز و پیامدهای امنیتی آن برای ایران را بررسی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که حضور رژیم صهیونیستی در قالب همکاری اطلاعاتی و رسانه‌ای با جمهوری آذربایجان، تهدیدی چندلایه برای امنیت ملی ایران ایجاد کرده است (الهامی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۸). این یافته به‌طور مستقیم ضرورت بهره‌گیری از بازی جنگ راهبردی برای سنجش واکنش‌های ایران در بستر ژئوپلیتیکی قفقاز را تقویت می‌کند.

جمع‌بندی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام‌شده عمدتاً در یکی از سه حوزه مستقل متمرکز بوده‌اند: برخی بر تحلیل مفهومی یا عملیاتی بازی جنگ راهبردی تأکید داشته‌اند، برخی دیگر تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی را به‌صورت کمی یا ساختاری بررسی کرده‌اند، و دسته‌ای نیز به واکاوی تهدیدات ژئوپلیتیکی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی پرداخته‌اند. با این حال، تاکنون مطالعه‌ای که این سه حوزه را در قالب یک چارچوب تحلیلی یکپارچه و مرحله‌مند (پیش از بازی، حین بازی و پس از بازی) تلفیق کرده و بازی جنگ راهبردی را به‌عنوان ابزاری برای سنجش و تقویت تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی در بستر ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان مورد بررسی قرار دهد، انجام نشده است.

نوآوری اصلی پژوهش حاضر در پاسخ به این خلأ، ارائه مدلی سه‌مرحله‌ای از الزامات بازی جنگ راهبردی با محوریت تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی است که ضمن بهره‌گیری از داده‌های کیفی خبرگان، امکان پیوند میان تصمیم‌سازی راهبردی، هماهنگی نهادی و پاسخ به تهدیدات ترکیبی در جبهه شمال‌غرب جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌سازد. این رویکرد، بازی جنگ را از سطح یک ابزار تمرینی صرف فراتر برده و آن را به سازوکاری تحلیلی-تصمیم‌یار در حوزه بازدارندگی هوشمند ارتقا می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و راهبردی است و از نظر رویکرد، کیفی-اکتشافی محسوب می‌شود. هدف اصلی آن، شناسایی دقیق، عمیق و چندلایه‌ی الزامات طراحی و اجرای مؤثر بازی جنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران در تقابل با رژیم صهیونیستی در منطقه قفقاز جنوبی، به‌ویژه در جغرافیای جمهوری آذربایجان، با تأکید بر تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی است.

ماهیت راهبردی این تحقیق در آن است که نتایج آن می‌تواند در سطوح سیاست‌گذاری دفاعی، طراحی سناریوهای بازدارندگی و به‌روزرسانی مدل‌های تصمیم‌سازی در حوزه امنیت ملی مورد استفاده قرار گیرد. از منظر اکتشافی، پژوهش تلاش می‌کند از طریق مصاحبه‌های عمیق با خبرگان و تحلیل مضمون نظام‌مند، ابعاد پنهان و چندوجهی بازی جنگ را در سه مرحله اصلی قبل از بازی، حین بازی و پس از بازی شناسایی و تبیین کند.

سؤالات پژوهش

۱- الزامات بازی جنگ جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در بستر جمهوری آذربایجان با تأکید بر تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی کدام‌اند؟

روش تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌های این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون^۱ و بر اساس چارچوب شش مرحله‌ای براون و کلارک^۲ (بران و کلارک، ۲۰۰۶: ۱۰) انجام شد. این روش با تأکید بر استقرای نظام‌مند و بازنمایی عمیق مفاهیم در داده‌های کیفی، امکان کشف الگوهای تکرارشونده و تبیین روابط میان آن‌ها را فراهم می‌سازد. مراحل اجرای تحلیل به شرح زیر است:

۱. آشنایی با داده‌ها:

در این مرحله، کلیه مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به‌صورت واژه‌به‌واژه پیاده‌سازی شد. پژوهشگر با چندباره خوانی متون، تلاش کرد تا درک عمیقی از زمینه و محتوای بیانات خبرگان به‌دست آورد و برداشت‌های اولیه در حاشیه‌ی متن ثبت گردید.

۲. کدگذاری اولیه:

در این مرحله، عبارات کلیدی و مفاهیم راهبردی از درون متن شناسایی و بر اساس معانی نهفته در سخنان مشارکت‌کنندگان، به صورت کدهای مفهومی استخراج شد. این کدها نخستین واحدهای تحلیلی پژوهش محسوب می‌شوند و زیربنای مراحل بعدی تحلیل را تشکیل می‌دهند.

1 Thematic Analysis

2 Braun & Clarke

۳. استخراج مضامین اولیه:

کدهای مشابه و هم‌مفهوم در خوشه‌های مفهومی ادغام شدند و مجموعه‌ای از مضامین اولیه شکل گرفت که بازتاب‌دهنده‌ی موضوعات مکرر و معنادار در داده‌ها بودند. این مضامین، بیانگر جنبه‌های مختلف الزامات طراحی و اجرای بازی جنگ راهبردی محسوب می‌شدند.

جدول ۱. نمونه کدهای احصا شده

شماره خبره	گزیده گفتار (عبارت کلیدی از مصاحبه)	کد اولیه	مضمون نهایی
خبره ۱	«قبل از هر بازی باید اهداف ملی و تهدیدهای محتمل دقیق تعریف شود، وگرنه تصمیم‌سازی بی‌هدف خواهد بود»	تعریف اهداف و سناریوهای تهدید	الزامات پیش از بازی - تعیین اهداف و محدوده تهدید
خبره ۲	«نقش هماهنگی میان نیروها و دستگاه‌ها حیاتی است، اگر داده‌ها به‌موقع نرسد، واکنش شبیه‌سازی شده واقعی نیست.»	ضعف هماهنگی بین نهادهای	الزامات حین بازی - هماهنگی نهادی و اشتراک اطلاعات
خبره ۳	«در بازی جنگ باید مسیرهای لجستیکی متنوع شبیه‌سازی شود تا تاب‌آوری سیستم آزمایش گردد.»	شبیه‌سازی مسیرهای پشتیبانی	الزامات حین بازی - سنجش تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی
خبره ۴	«اگر بعد از پایان بازی تحلیل دقیق انجام نشود، تجربه‌ها از بین می‌رود و یادگیری اتفاق نمی‌افتد.»	تحلیل بازخورد پس از بازی	الزامات پس از بازی - استخراج درس‌آموخته‌ها و بازخورد سیاستی
خبره ۶	«اطلاعات واقعی میدانی باید مبنای طراحی سناریو باشد نه صرفاً فرضیات ذهنی تحلیل‌گر.»	استفاده از داده‌های واقعی میدانی	الزامات پیش از بازی - اعتبارسنجی داده‌ها و واقع‌گرایی سناریو
خبره ۷	«پشتیبانی فنی و سایبری باید بخشی از ساختار بازی باشد، چون دشمن در عمل به این حوزه حمله می‌کند.»	نیاز به پشتیبانی سایبری و فنی	الزامات حین بازی - حفاظت زیرساخت‌های اطلاعاتی و فنی
خبره ۱۴	«یکی از دستاوردهای بازی جنگ باید تدوین دستورالعمل‌های عملیاتی جدید باشد.»	تبدیل یافته‌ها به راهبردهای عملیاتی	الزامات پس از بازی - مستندسازی و انتقال دانش دفاعی
خبره	«اگر فرماندهان سطوح مختلف در طراحی	مشارکت	الزامات پیش از بازی -

شماره خبره	گزیده گفتار (عبارت کلیدی از مصاحبه)	کد اولیه	مضمون نهایی
۱۵	بازی مشارکت نکنند، نتایج واقعی نخواهد بود. ^۱	چندسطحی تصمیم‌گیران	مشارکت و هم‌راستاسازی نهاده‌ها

۴. بازی‌بازی مضامین:

در این گام، مضامین استخراج‌شده از منظر انسجام درونی، تمایز مفهومی و ارتباط با داده‌های اصلی بازی‌بازی شدند. مضامینی که هم‌پوشانی یا ابهام داشتند، بازتعریف یا حذف گردیدند تا شبکه‌ای شفاف و منطقی از مفاهیم پدید آید.

۵. نام‌گذاری مضامین کلان و محوری:

در این مرحله، مضامین نهایی با عناوینی علمی و دقیق نام‌گذاری شدند و در قالب مضامین کلان ۱ و محوری سازمان یافتند. هر مضمون کلان شامل مجموعه‌ای از مضامین فرعی بود که ابعاد گوناگون پدیده‌ی مورد مطالعه را پوشش می‌داد.

۶. تهیه گزارش نهایی:

در گام پایانی، مضامین نهایی با چارچوب نظری و اهداف پژوهش تطبیق داده شدند و در سه بخش اصلی الزامات پیش از بازی، الزامات حین بازی و الزامات پس از بازی سامان‌دهی گردیدند. سپس تفسیرهای نظری و کاربردی بر پایه‌ی مضامین استخراج‌شده تدوین و در گزارش نهایی پژوهش منعکس شد.

جامعه پژوهش و روش نمونه‌گیری

جامعه نظری این پژوهش شامل خبرگان و متخصصان حوزه‌های دفاعی، اطلاعاتی، دیپلماتیک، لجستیک و مطالعات ژئوپلیتیکی مرتبط با منطقه قفقاز جنوبی و تهدیدات ترکیبی علیه جمهوری اسلامی ایران است. با توجه به گستردگی این جامعه و به‌منظور افزایش دقت، تمرکز و عمق تحلیل کیفی، جامعه عملی مورد مطالعه به‌صورت هدفمند و بر اساس معیارهای مشخص محدود گردید.

معیارهای انتخاب مشارکت‌کنندگان در پژوهش شامل:

۱. دارا بودن تحصیلات دکتری یا معادل آن و یا سابقه حرفه‌ای معادل در سطوح عالی تصمیم‌سازی دفاعی؛
 ۲. برخورداری از تجربه مستقیم یا نقش تحلیلی مؤثر در حوزه‌های مرتبط با دکترین دفاعی، بازی جنگ، تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی یا تحولات ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی؛
 ۳. حضور در سطوح عالی مدیریتی، فرماندهی یا کارشناسی راهبردی در نهادهای مرتبط (نظیر سطوح عالی سازمانی یا رده‌های معادل).
- بر این اساس، نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و با معیار قضاوتی انجام شد و فرایند انتخاب نمونه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. در نهایت، ۱۵ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان منتخب انجام گرفت که تحلیل آن‌ها منجر به تثبیت مضامین و عدم ظهور داده‌های مفهومی جدید گردید.

جدول ۲. جدول اشباع نظری

شماره خبره	حوزه تخصصی	تعداد کدهای جدید شناسایی شده	وضعیت داده‌های جدید	توضیح تحلیلی
خبره ۱	دکترین دفاعی و راهبردی	۱۸	زیاد	شناسایی اولیه محورهای کلی پژوهش و چارچوب نظری
خبره ۲	تحلیل نظامی و عملیات مشترک	۱۵	زیاد	گسترش مفاهیم اولیه مرتبط با طراحی سناریو و بازی جنگ
خبره ۳	لجستیک و زنجیره تأمین دفاعی	۱۴	متوسط	افزودن مؤلفه‌های مرتبط با تاب‌آوری و مسیرهای پشتیبانی
خبره ۴	اطلاعات و جنگ ترکیبی	۱۲	متوسط	تقویت مفاهیم مربوط به تهدیدات شناختی و اطلاعاتی
خبره ۵	فناوری و پشتیبانی سایبری	۱۰	متوسط	اضافه شدن ابعاد فنی و سایبری به مدل مفهومی
خبره ۶	سیاست خارجی و دیپلماسی دفاعی	۸	متوسط	ارتباط میان سیاست خارجی و طراحی بازی‌های راهبردی
خبره ۷	جغرافیای نظامی و مطالعات قفقاز	۶	کم	تثبیت مفاهیم مربوط به محیط ژئوپلیتیکی و قفقاز جنوبی
خبره ۸	فرماندهی و کنترل	۴	کم	تکمیل مؤلفه‌های مربوط به

شماره خبره	حوزه تخصصی	تعداد کدهای جدید شناسایی شده	وضعیت داده‌های جدید	توضیح تحلیلی
	دفاعی			هماهنگی بین‌نهادی
خبره ۹	پشتیبانی رزمی و آموزش نیروها	۳	کم	تقویت ابعاد آموزشی و آماده‌سازی پیش از بازی
خبره ۱۰	راهبردهای بازدارندگی	۲	کم	تکرار و هم‌پوشانی با مفاهیم قبلی
خبره ۱۱	ارزیابی عملکرد دفاعی	۱	بسیار کم	داده‌های جدید ناچیز، تأکید بر تحلیل بازخوردها
خبره ۱۲	جنگ رسانه‌ای و شناختی	۱	بسیار کم	بدون افزودن مفهوم جدید، فقط تقویت مضامین قبلی
خبره ۱۳	تحلیل‌گر امنیت ملی	۰	بدون داده جدید	تکرار کامل مفاهیم پیشین
خبره ۱۴	مدیریت دانش دفاعی	۰	بدون داده جدید	تثبیت یافته‌های نهایی و همگرایی کدها
خبره ۱۵	هماهنگی بین‌سازمانی	۰	بدون داده جدید	تأیید نهایی و عدم ظهور مضمون تازه (نقطه اشباع نظری)

یافته‌های پژوهش

تحلیل کیفی داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها منجر به استخراج سه بُعد اصلی، ده مضمون کلان و بیست‌وهشت کد محوری گردید. یافته‌ها در قالب مدلی سه‌بعدی تبیین شدند که نمایانگر الزامات ژئوپلیتیکی، تاب‌آوری دفاعی و پاسخ راهبردی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات چندلایه رژیم صهیونیستی در منطقه قفقاز جنوبی است. این چارچوب، تصویری تلفیقی از تعامل میان مؤلفه‌های محیطی، ساختاری و تصمیم‌سازی دفاعی ارائه می‌دهد و مبنایی برای طراحی بازی جنگ‌های راهبردی آینده محسوب می‌شود.

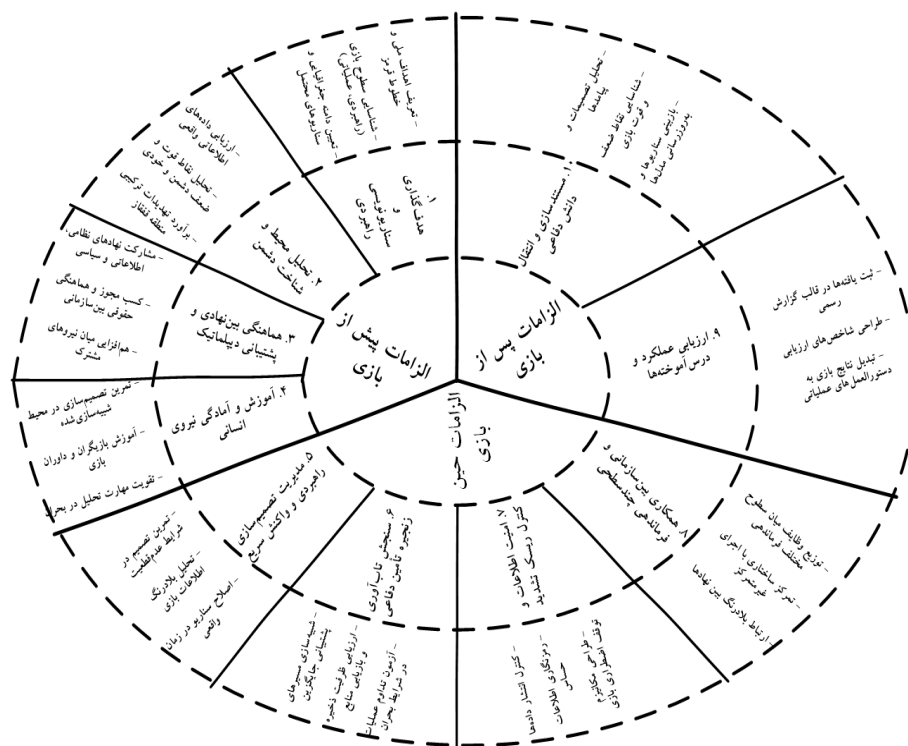
جدول ۳. ابعاد و مؤلفه‌ها

مرحله	مضامین کلان	مضامین فرعی ^۱	نمونه کدهای مفهومی ^۲
الزامات پیش از بازی	۱. هدف‌گذاری و سناریونویسی راهبردی	-تعریف اهداف ملی و خطوط قرمز - شناسایی سطوح بازی (راهبردی، عملیاتی) - تعیین دامنه جغرافیایی و سناریوهای محتمل	«تعیین سطح راهبردی بازی» - «مرزبندی تهدیدات احتمالی»
	۲. تحلیل محیط و شناخت دشمن	-ارزیابی داده‌های اطلاعاتی واقعی - تحلیل نقاط قوت و ضعف دشمن و خودی - برآورد تهدیدات ترکیبی منطقه قفقاز	«تحلیل دقیق محیط و دشمن پیش از بازی» - «استفاده از داده واقعی میدانی»
	۳. هماهنگی بین‌نهادی و پشتیبانی دیپلماتیک	-مشارکت نهادهای نظامی، اطلاعاتی و سیاسی - کسب مجوز و هماهنگی حقوقی بین‌سازمانی - هم‌افزایی میان نیروهای مشترک	«هماهنگی وزارت دفاع و خارجه در مرحله طراحی»
	۴. آموزش و آمادگی نیروی انسانی	-تمرین تصمیم‌سازی در محیط شبیه‌سازی‌شده - آموزش بازیگران و داوران بازی - تقویت مهارت تحلیل در بحران	«آموزش تیم‌های تصمیم‌گیر پیش از اجرای بازی»
	۵. مدیریت تصمیم‌سازی راهبردی و واکنش سریع	-تمرین تصمیم در شرایط عدم قطعیت - تحلیل بلادرنگ اطلاعات بازی - اصلاح سناریو در زمان واقعی	«تمرکز بر تصمیم‌سازی چابک در حین بازی»
	۶. سنجش تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی	-شبیه‌سازی مسیرهای پشتیبانی جایگزین - ارزیابی ظرفیت ذخیره و بازیابی منابع - آزمون تداوم عملیات در شرایط بحران	«ارزیابی مسیرهای پشتیبانی دفاعی در شمال غرب»
	۷. امنیت اطلاعات و کنترل ریسک تشدید	-کنترل انتشار داده‌ها - رمزنگاری اطلاعات حساس - طراحی مکانیزم توقف اضطراری بازی	«حفاظت از داده‌های بازی و کنترل بحران احتمالی»
	۸. همکاری بین‌سازمانی و فرماندهی چندسطحی	-توزیع وظایف میان سطوح مختلف فرماندهی - تمرکز ساختاری با اجرای غیرمتمرکز - ارتباط بلادرنگ بین نهادها	«فرماندهی متمرکز، تصمیم‌گیری غیرمتمرکز»
	۹. ارزیابی عملکرد و	-تحلیل تصمیمات و پیامدها - شناسایی	«تحلیل رفتار تصمیم‌گیران و
الزامات حین بازی			

1 Sub-Themes

2 Representative Codes

مرحله	مضامین کلان	مضامین فرعی ^۱	نمونه کدهای مفهومی ^۲
	درس‌آموخته‌ها	نقاط ضعف و قوت بازی - بازی‌بازی سناریوها و به‌روزرسانی مدل‌ها	بازخورد سیاستی»
	۱۰. مستندسازی و انتقال دانش دفاعی	ثبت یافته‌ها در قالب گزارش رسمی - طراحی شاخص‌های ارزیابی - تبدیل نتایج بازی به دستورالعمل‌های عملیاتی	«مستندسازی تجربه‌ها برای طراحی بازی‌های آینده»



شکل ۱. الگوی مفهومی الزامات بازی جنگ راهبردی (یافته‌های پژوهش)

روایی و پایایی:

روایی^۱

روایی در پژوهش کیفی به معنای صحت و دقت در تفسیر داده‌ها است. در این پژوهش، روایی از طریق روش‌های زیر تأمین شده است:

جدول ۴. روایی پژوهش

راهکار	توضیحات
تنوع منابع ^۲	مصاحبه‌ها با خبرگان سیاسی و دفاعی انجام شده است. این تنوع، مانع از سوگیری فردی شده و دیدگاه‌های چندجانبه را پوشش می‌دهد.
ارجاع مستقیم به مصاحبه‌ها	مضمون‌ها و کدهای محوری مستقیماً از جملات مصاحبه‌شوندگان استخراج شده‌اند و در بخش تحلیل یافته‌ها با رفرنس‌دهی دقیق همراه شده‌اند.
بازبینی توسط همکار پژوهشی	مراحل کدگذاری، استخراج مضمون‌ها و طراحی مدل نهایی توسط یک همکار پژوهشی نیز بازبینی شده تا تأیید مضاعف حاصل شود.

جدول ۵. نمونه‌هایی از فرایند کدگذاری داده‌ها

شماره خبره	گزیده گفتار (نمونه واقعی از مصاحبه)	کد اولیه	مضمون فرعی	مضمون کلان
خبره ۱	«بازی بدون تعریف هدف و تهدید مشخص، فقط وقت تلف کردن است. باید بدانیم قرار است چه چیزی را بیازماییم.»	ضرورت تعریف اهداف و تهدیدهای کلیدی	هدف‌گذاری دقیق بازی	الزامات پیش از بازی
خبره ۲	«دشمن در شمال غرب فقط نظامی نیست، ترکیب اطلاعاتی، رسانه‌ای و قومی دارد.»	شناسایی تهدیدات ترکیبی	تحلیل محیط و شناخت دشمن	الزامات پیش از بازی
خبره ۳	«ما همیشه رزمایش داریم، اما بازی جنگ باید واقعی‌تر باشد، با داده‌های اطلاعاتی درست.»	استفاده از داده واقعی در طراحی سناریو	اعتبارسنجی داده‌ها	الزامات پیش از بازی
خبره	«زنجیره پشتیبانی را باید در سناریو	ارزیابی تاب‌آوری	سنجش مسیرهای	الزامات

1 Validity

2 Triangulation

شماره خبره	گزیده گفتار (نمونه واقعی از مصاحبه)	کد اولیه	مضمون فرعی	مضمون کلان
۶	بسنجیم؛ اگر مسیر اصلی قطع شد، چقدر دوام داریم؟»	لجستیکی	جایگزین تأمین	حین بازی
خبره ۷	«اگر بازی از کنترل خارج شد، باید سیستم توقف فوری داشته باشد تا به تشدید واقعی منجر نشود.»	طراحی سازوکار توقف اضطراری	کنترل ریسک تشدید	الزامات حین بازی
خبره ۹	«در پایان هر بازی باید گزارش تحلیلی تهیه شود تا دفعه بعد اشتباهات تکرار نشود.»	تدوین گزارش نهایی	تحلیل بازخوردها	الزامات پس از بازی
خبره ۱۰	«دانش به دست آمده باید مکتوب شود، چون افراد تغییر می‌کنند ولی تجربه باید بماند.»	مستندسازی نتایج	انتقال دانش دفاعی	الزامات پس از بازی

پایایی^۱

به منظور اطمینان از پایایی و قابلیت اعتماد نتایج تحلیل مضمون، مجموعه‌ای از اقدامات نظام‌مند انجام شد. در گام نخست، تمام مصاحبه‌ها به صورت واژه‌به‌واژه پیاده‌سازی و سپس توسط سه پژوهشگر مستقل بازخوانی و کدگذاری اولیه صورت گرفت. میزان توافق میان کدگذاران بر اساس ضریب کاپای کوهن^۲ محاسبه گردید که برابر با ۰.۸۳ به دست آمد و نشان‌دهنده پایایی بسیار مطلوب تحلیل بود. برای ارتقای قابلیت تأیید^۳، یافته‌ها و مضامین استخراج شده با سه تن از خبرگان خارج از نمونه اصلی (که در حوزه دفاع و امنیت سابقه پژوهشی داشتند) بازبینی شد تا هم‌پوشانی و صحت مفهومی آن‌ها ارزیابی گردد. در زمینه اعتبار درونی^۴، از روش بازبینی مشارکت‌کنندگان^۵ استفاده شد؛ بدین معنا که خلاصه مضامین نهایی برای تعدادی از مصاحبه‌شوندگان ارسال شد و آن‌ها تأیید کردند که نتایج تحلیل بازتاب‌دهنده دقیق دیدگاه‌هایشان

1 Reliability

2 Cohen's Kappa

3 Confirmability

4 Credibility

5 Member Checking

است. همچنین برای افزایش انتقال‌پذیری^۱، مستندات تحلیلی شامل مراحل کدگذاری، یادداشت‌های تحلیلی و نمونه‌های متنی در پیوست پژوهش ثبت شد تا سایر پژوهشگران بتوانند روند تحلیل را بازتولید و ارزیابی نمایند.

جدول ۶. پایایی پژوهش

شاخص	روش تضمین	مقدار / توضیح
پایایی بین کدگذاران	محاسبه ضریب کاپای کوهن	۰.۸۳ (قابل قبول و بالا)
اعتبار درونی	بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان ^۲	تأیید ۹ نفر از ۱۵ خبره
قابلیت تأیید	ارزیابی مستقل سه استاد و کارشناس دفاعی	تأیید محتوایی مضامین
انتقال‌پذیری	مستندسازی مراحل تحلیل و پیوست کدها	انجام شد

تحلیل و تبیین الگوی مفهومی الزامات بازی جنگ راهبردی

بر اساس تحلیل کیفی داده‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان و فرآیند نظام‌مند تحلیل مضمون، الگوی مفهومی الزامات بازی جنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران در بستر جمهوری آذربایجان استخراج گردید. این الگو، الزامات طراحی و اجرای بازی جنگ را در قالب یک چارچوب سه‌مرحله‌ای شامل «پیش از بازی»، «حین بازی» و «پس از بازی» تبیین می‌کند که به‌صورت پویا و پیوسته با یکدیگر در ارتباط هستند. شکل (۱) نمایی کلی از این الگو و مؤلفه‌های اصلی هر مرحله را نشان می‌دهد.

در مرحله پیش از بازی، تمرکز اصلی بر آماده‌سازی راهبردی و شناخت محیط تصمیم‌گیری است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تعریف دقیق اهداف ملی، تعیین خطوط قرمز، شناسایی سطوح بازی (راهبردی، عملیاتی) و تحلیل جامع محیط ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی، پیش‌نیاز هرگونه شبیه‌سازی معتبر است. در این مرحله، اعتبار داده‌های اطلاعاتی، هماهنگی بین‌نهادی میان نهادهای نظامی، امنیتی و دیپلماتیک، و آموزش بازیگران و تصمیم‌گیران، نقش تعیین‌کننده‌ای در

1 Transferability

2 Member Check

واقع‌گرایی سناریوهای طراحی شده ایفا می‌کنند. ضعف در این مرحله، منجر به انحراف کل فرآیند بازی جنگ و تولید خروجی‌های غیرقابل اتکا خواهد شد.

مرحله حین بازی به‌عنوان هسته اصلی بازی جنگ راهبردی، محل آزمون واقعی تصمیم‌سازی در شرایط عدم قطعیت و تهدیدات ترکیبی است. بر اساس الگوی استخراج‌شده، در این مرحله تصمیم‌گیران با سناریوهایی مواجه می‌شوند که هم‌زمان ابعاد نظامی، اطلاعاتی، سایبری و شناختی را در بر می‌گیرد. یکی از نوآوری‌های اصلی الگو، ادغام سنجش تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی در بطن فرآیند تصمیم‌سازی است؛ به‌گونه‌ای که مسیرهای پشتیبانی، ظرفیت ذخایر، توان بازیابی منابع و تداوم عملیات در شرایط اختلال، به‌صورت پویا شبیه‌سازی و ارزیابی می‌شود. این رویکرد امکان شناسایی نقاط شکننده ساختار دفاعی را پیش از وقوع بحران واقعی فراهم می‌سازد.

در مرحله پس از بازی، تمرکز از اجرا به یادگیری سازمانی و بازخورد سیاستی منتقل می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که بدون تحلیل نظام‌مند تصمیمات اتخاذشده، مستندسازی تجربیات و استخراج درس‌آموخته‌ها، بازی جنگ به یک تمرین مقطعی و کم‌اثر تقلیل می‌یابد. در این مرحله، ارزیابی عملکرد تصمیم‌گیران، بازیابی سناریوها و تبدیل نتایج بازی به دستورالعمل‌های عملیاتی و اصلاحات دکترینال، نقش کلیدی در ارتقای تاب‌آوری نهادی و تقویت بازدارندگی هوشمند ایفا می‌کند.

نکته محوری در الگوی ارائه‌شده، نقش تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی به‌عنوان نخ تسبیح اتصال‌دهنده هر سه مرحله است. برخلاف رویکردهای سنتی که لجستیک را صرفاً یک مؤلفه پشتیبان تلقی می‌کنند، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میزان تاب‌آوری زنجیره تأمین، تعیین‌کننده کیفیت تصمیم‌سازی راهبردی، تداوم عملیات و موفقیت پاسخ دفاعی در شرایط بحران است. از این منظر، بازی جنگ راهبردی نه‌تنها ابزاری برای شبیه‌سازی تقابل نظامی، بلکه سازوکاری برای آزمون پایداری و سازگاری کل نظام دفاعی در برابر تهدیدات ترکیبی در جبهه شمال‌غرب جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین الزامات طراحی و اجرای بازی جنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران در تقابل با رژیم صهیونیستی و در بستر ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان، با

تأکید بر تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی انجام شد. مسئله اصلی پژوهش آن بود که در شرایط تشدید تهدیدات ترکیبی در جبهه شمال غرب کشور، بازی جنگ راهبردی چگونه باید طراحی و اجرا شود تا بتواند به‌عنوان ابزاری مؤثر برای تصمیم‌سازی راهبردی و تقویت بازدارندگی هوشمند عمل کند. یافته‌های پژوهش نشان داد که الزامات بازی جنگ راهبردی را نمی‌توان به‌صورت مقطعی یا صرفاً عملیاتی تعریف کرد، بلکه این الزامات در قالب یک فرآیند سه‌مرحله‌ای و پیوسته شامل «آماده‌سازی راهبردی پیش از بازی»، «تصمیم‌سازی و آزمون تاب‌آوری حین بازی» و «تحلیل بازخورد و یادگیری سازمانی پس از بازی» قابل تبیین است. در این چارچوب، تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی به‌عنوان مؤلفه‌ای محوری و تعیین‌کننده، نقش مستقیمی در کیفیت تصمیم‌سازی، تداوم عملیات و کارآمدی پاسخ دفاعی ایفا می‌کند.

نوآوری اصلی این پژوهش، ارائه یک الگوی مفهومی سه‌مرحله‌ای از الزامات بازی جنگ راهبردی با محوریت تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی در بستر ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی است. این الگو، بازی جنگ را از سطح یک تمرین شبیه‌سازی شده صرف فراتر برده و آن را به ابزاری تحلیلی-تصمیم‌یار برای سنجش هماهنگی نهادی، شناسایی نقاط شکننده ساختار دفاعی و تولید دانش راهبردی در مواجهه با تهدیدات ترکیبی ارتقا می‌دهد. بر این اساس، نتایج پژوهش می‌تواند مبنای طراحی بازی‌های جنگ آینده و به‌روزرسانی سازوکارهای بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در جبهه شمال غرب کشور قرار گیرد.

در مرحله پیش از بازی، یافته‌ها نشان دادند که هرگونه شبیه‌سازی مؤثر نیازمند تعریف دقیق اهداف، شناخت جامع از محیط ژئوپلیتیکی قفقاز، تحلیل داده‌های اطلاعاتی و هماهنگی میان نهادهای نظامی، امنیتی و دیپلماتیک است. عدم انسجام در این مرحله منجر به تحریف سناریو، برداشت نادرست از تهدید و تصمیم‌سازی‌های غیرواقع‌گرایانه خواهد شد. آموزش نیروهای تصمیم‌گیر، طراحی سناریوهای واقع‌بینانه و تأمین داده‌های معتبر از محیط عملیاتی از الزامات کلیدی این مرحله است.

در مرحله حین بازی، نتایج نشان داد که کارآمدی بازی جنگ وابسته به کیفیت تصمیم‌سازی در شرایط عدم قطعیت و سنجش هم‌زمان تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی است. بازی جنگ باید محیطی تعاملی فراهم آورد تا فرماندهان و تحلیل‌گران، واکنش‌های راهبردی خود را در

سناریوهای ترکیبی (نظامی، شناختی و سایبری) تمرین کنند. هماهنگی بین سازمانی، حفاظت اطلاعاتی و چابکی لجستیکی در این مرحله نقش حیاتی دارند.

در مرحله پس از بازی، تمرکز بر تحلیل نتایج و یادگیری سازمانی است. داده‌های پژوهش نشان دادند که مستندسازی تصمیمات، تحلیل عملکرد شرکت کنندگان و انتقال یافته‌ها به نهادهای تصمیم‌ساز، مهم‌ترین حلقه در چرخه یادگیری دفاعی محسوب می‌شود. این فرایند موجب ارتقای تاب‌آوری نهادی، انسجام بین‌سازمانی و افزایش توان پیش‌بینی تهدیدات آینده خواهد شد.

مدل نهایی پژوهش، چارچوبی یکپارچه برای درک روابط بین تاب‌آوری دفاعی، تصمیم‌سازی چندسطحی و پاسخ ترکیبی ارائه می‌دهد. بر اساس این مدل، بازی جنگ از یک رزمایش شبیه‌سازی شده فراتر رفته و به ابزاری برای شناخت تهدید، آزمون ساختارهای دفاعی و تولید راهبرد بازدارندگی هوشمند تبدیل می‌شود.

پیشنهاها

با تکیه بر مدل سه‌مرحله‌ای پژوهش و مضامین استخراج شده از داده‌ها، پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌گردد:

پیشنهادهای مستخرج از یافته‌های پژوهش

۱-۱. الزامات پیش از بازی جنگ

الف) در سطح طراحی و سیاست‌گذاری کلان

- ✓ تشکیل مرکز ملی بازی‌های جنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران زیر نظر ستاد کل نیروهای مسلح، با مأموریت طراحی، هدایت و ارزیابی بازی‌های جنگ ترکیبی در مناطق حساس، از جمله قفقاز جنوبی.
- ✓ ایجاد بانک داده‌های ژئوپلیتیکی و تهدیدات منطقه‌ای با محوریت سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح و با همکاری وزارت اطلاعات، به منظور اعتبارسنجی داده‌ها و سناریوهای مورد استفاده در بازی جنگ.
- ✓ تدوین «چارچوب هماهنگی بین‌نهادی بازی جنگ» شامل دستورالعمل‌های رسمی همکاری میان ارتش، سپاه، وزارت دفاع، وزارت امور خارجه و سازمان صدا و سیما، به عنوان پیش‌نیاز طراحی بازی جنگ راهبردی.

ب) در سطح عملیاتی

- ✓ طراحی واحدهای آموزشی تخصصی در دانشکده‌های فرماندهی و ستاد، با هدف آموزش تصمیم‌سازی راهبردی در محیط‌های نااطمینان و تهدیدات ترکیبی.
- ✓ ایجاد تیم‌های تحلیل مشترک متشکل از افسران اطلاعاتی، فرماندهان لجستیک و تحلیل گران ژئوپلیتیک، به منظور شبیه‌سازی واقع‌گرایانه سناریوهای بازی جنگ.
- ✓ تهیه اطلس تهدیدات قفقاز جنوبی با رویکرد چندمنظوره (نظامی، فرهنگی و رسانه‌ای) برای پشتیبانی از فرآیند سناریونویسی بازی جنگ.

۲-۱. الزامات حین بازی جنگ

الف) در حوزه تصمیم‌سازی و اجرا

- ✓ طراحی نرم‌افزار یکپارچه «سامانه فرماندهی و کنترل بازی جنگ» به‌منظور هماهنگی برخط تصمیمات میان سطوح مختلف فرماندهی و نهادهای مشارکت‌کننده.
- ✓ استقرار زیرساخت ارتباطی امن با قابلیت رمزنگاری بومی، به‌منظور جلوگیری از نفوذ اطلاعاتی و حفظ امنیت داده‌ها در طول اجرای بازی.
- ✓ تعریف شاخص‌های سنجش عملکرد تصمیم‌گیران، نظیر سرعت واکنش، دقت تصمیم و میزان هماهنگی بین‌نهادی، برای ارزیابی کیفیت تصمیم‌سازی راهبردی.

ب) در حوزه پشتیبانی و تاب‌آوری دفاعی

- ✓ سنجش عملی مسیرهای پشتیبانی جایگزین در مناطق کوهستانی شمال‌غرب کشور و شبیه‌سازی قطع مسیرهای حیاتی، به‌منظور ارزیابی زمان بازیابی زنجیره تأمین دفاعی.
- ✓ تجهیز یگان‌های لجستیکی شرکت‌کننده در بازی به پهپادهای باربر و سامانه‌های حسگر، با هدف جمع‌آوری داده‌های محیطی و پشتیبانی تصمیم‌سازی در حین بازی.
- ✓ گنجانیدن سناریوهای ترکیبی شامل عملیات سایبری، جنگ شناختی و خرابکاری زیرساختی در ساختار اصلی بازی، به‌منظور سنجش تاب‌آوری چندبعدی نظام دفاعی.

۱-۳. الزامات پس از بازی جنگ

الف) در حوزه تحلیل و بازخورد

- ✓ تشکیل «کمیته تحلیل نتایج بازی» متشکل از متخصصان داده، تحلیل‌گران دفاعی و نمایندگان ستاد کل، برای بررسی تصمیمات اتخاذشده و پیامدهای آن‌ها بر ساختار دفاعی کشور.
- ✓ استخراج شاخص‌های یادگیری سازمانی از نتایج بازی‌ها، از جمله بهبود هماهنگی نهادی، کاهش خطای تصمیم و افزایش تاب‌آوری لجستیکی.
- ✓ تدوین گزارش‌های طبقه‌بندی‌شده به‌منظور انتقال نتایج بازی جنگ به فرماندهان عالی و نهادهای سیاست‌گذار.

ب) در حوزه یادگیری و تداوم

- ✓ مستندسازی کامل فرآیندهای بازی جنگ در قالب «پایگاه دانش دفاعی بازی جنگ» برای بهره‌گیری در طراحی بازی‌های آتی.
- ✓ طراحی سامانه امتیازدهی و رتبه‌بندی واحدهای شرکت‌کننده در بازی، با هدف تشویق به یادگیری، بهبود مستمر و ارتقای عملکرد نهادی.
- ✓ ادغام خروجی‌های بازی جنگ در فرآیند بازنگری دکترین دفاعی کشور، به‌منظور به‌روزرسانی مدل بازدارندگی فعال.

۲. پیشنهادهای مکمل فرابخشی (برداشت تحلیلی نویسندگان)

- پیشنهادهای این بخش فراتر از یافته‌های مستقیم پژوهش بوده و به‌عنوان برداشت تحلیلی نویسندگان، با هدف توسعه کاربردهای سیاستی و نهادی نتایج ارائه می‌شوند.
- ✓ برای وزارت امور خارجه: راه‌اندازی سازوکار «دیپلماسی پیش‌دستانه قفقاز» با محوریت هشداردهی زودهنگام نسبت به حضور رژیم صهیونیستی و توسعه توافقات امنیتی منطقه‌ای.
 - ✓ برای وزارت دفاع: طراحی «سند ملی تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی» مبتنی بر یافته‌های این پژوهش، با تأکید بر چندمسیره‌سازی، بازتوزیع سریع و مصون‌سازی سایبری.
 - ✓ برای صدا و سیما و فضای مجازی: ایجاد «پوش رسانه‌ای بازی جنگ شناختی» با هدف تقویت بازدارندگی ادراکی در برابر نفوذ رسانه‌ای دشمن.
 - ✓ برای مرکز بررسی‌های راهبردی ریاست جمهوری: ایجاد «اتاق وضعیت قفقاز» با قابلیت داده‌کاوی بلادرنگ و سامانه هشدار زودهنگام ترکیبی (اطلاعاتی، رسانه‌ای و سایبری).
 - ✓ در حوزه آموزش دفاعی: طراحی و گنجاندن درس «بازی جنگ راهبردی» در دوره‌های آموزشی مقدماتی، عالی، دافوس و سطوح بالاتر، متناسب با سطح هر

دوره، به گونه‌ای که از دوره‌های مقدماتی آشنایی مفهومی با بازی جنگ آغاز شده و در سطوح بالاتر به تصمیم‌سازی راهبردی و تحلیل سناریوهای پیچیده ارتقا یابد.

نتایج این پژوهش نشان داد که بازی جنگ راهبردی، ابزاری صرفاً نظامی نیست بلکه سازوکار تصمیم‌سازی ترکیبی برای ارتقای تاب‌آوری ملی و هماهنگی نهادی است. مدل سه‌مرحله‌ای ارائه شده می‌تواند به عنوان نقشه‌راهی برای طراحی و پیاده‌سازی بازی‌های راهبردی آینده جمهوری اسلامی ایران در مناطق حساس مانند قفقاز جنوبی، خلیج فارس و شرق کشور به کار گرفته شود.

فهرست منابع

- افشردی، ع. و بابایی، ف. (۱۳۸۴). تحلیل ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی در امنیت ملی ایران. مطالعات راهبردی دفاعی، ۱۰(۳)، ۱۹-۳۵.
- رحیمی، م.، عالم‌تبریزی، ن.، راد، س.، و موتمنی، ح. (۱۳۹۷). طراحی مدل ساختاری تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی. مدیریت نظامی، ۶(۱)، ۴۹-۶۸.
- صادقی‌نسب، م. (۱۴۰۰). طراحی الگوی بازی جنگ راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی، ۶(۲۲)، ۱۱-۲۲. Civilica ID: 1425505
- کازرونی، ح.، طباطبایی، س. م.، رضائی، ح. ر.، یمینی، س. م. ح. (۱۴۰۳). احصاء فرمول محاسبه تاب‌آوری در زنجیره تأمین دفاعی. فصلنامه آماد و فناوری دفاعی، ۷(۲)، ۷-۱۰.
- کازرونی، س.، طباطبایی، ع.، رضایی، م.، و یمینی، ن. (۱۴۰۳). مدل‌سازی تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی با رویکرد کمی. آماد و فناوری دفاعی، ۷(۲)، ۸۶-۱۰۴.
- کریمی‌زارچی، م.، مبودی، ح.، و فتحی، م. (۱۳۹۹). مدل‌سازی مؤلفه‌های تاب‌آوری زنجیره تأمین دفاعی ایران. فصلنامه مدیریت دفاعی، ۱۶(۱)، ۶۵-۸۳. Civilica ID: 1210635
- نظری‌زاده، س.، متولی، ح.، و میرشاه‌ولایتی، م. (۱۴۰۲). طراحی بازی جنگ با رویکرد سناریومحور در زنجیره تأمین دفاعی. در کنفرانس ملی فناوری‌های نوین، تهران، صص. ۴۰-۴۸.
- الهامی، ا.، افضلی، ع.، عبدلی، ا.، مقدسی، ب.، و قاسمی، س. ا. (۱۴۰۳). راهبرد ارتقای جایگاه ژئوکالچر جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۲۲(۹۸)، ۳۲-۵.
- https://journals.sndu.ac.ir/article_3357.html
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp0630a>
- Christopher, M., & Peck, H. (2004). Building the resilient supply chain. *The International Journal of Logistics Management*, 15(2), 1-13. <https://doi.org/10.1108/09574090410700275>

- Ekström, T. (2025). Supply chain resilience – An empirical exploration of barriers and enablers in military settings. *Scandinavian Journal of Military Studies*, 8(1), 119–136. <https://doi.org/10.31374/sjms.350>
- Elvemo, L. (2025). Supply chain resilience in military operations: A case study exploring command and control. *Scandinavian Journal of Military Studies*, 8(1), 178–199. <https://doi.org/10.31374/sjms.356>
- Elvemo, T. (2024). Supply Chain Resilience in Military Operations: A Case Study Exploring Command and Control. *Scandinavian Journal of Military Studies*. <https://doi.org/10.31374/sjms.356>
- Perla, P. (2012). *The Art of Wargaming: A Guide for Professionals and Hobbyists*. Annapolis: Naval Institute Press. p. 32.
- Perla, P. P. (1990). *The art of wargaming: A guide for professionals and hobbyists*. Annapolis, MD: Naval Institute Press. ISBN 978-0870210501
- Pettit, T. J., Fiksel, J., & Croxton, K. L. (2010). Ensuring supply chain resilience: Development of a conceptual framework. *Journal of Business Logistics*, 31(1), 1–21. <https://doi.org/10.1002/j.2158-1592.2010.tb00125.x>
- Roubanis, I. (2024). Iran's Security Posture in the South Caucasus After the War in Ukraine. *The Central Asia-Caucasus Analyst*.
- Rubel, R. C. (2006). The epistemology of war gaming. *Naval War College Review*, 59(2), 108–128. <https://digital-commons.usnwc.edu/nwc-review/vol59/iss2/8>
- Sabin, P. (2012). *Simulating war: Studying conflict through wargames*. London: Bloomsbury Academic. ISBN 978-1441162267
- Urmston, A., Song, D., & Lyons, A. (2024). The Development of Risk Assessments and Supplier Resilience Models for Military Industrial Supply Chains Considering Rare Disruptions. *Logistics*, 8(2), 57. <https://doi.org/10.3390/logistics8020057>
- Walt, S. M. (1987). *The origins of alliances*. Ithaca, NY: Cornell University Press. ISBN 978-0801494277

